

کاشمش

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ یکشنبه ۵ مهر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۳۲۵۹ / صفحه ۸ / ۲۵۰۰۰ تومان



افتی و درخشش در بازی های آسیایی



پتروشیمی گلستان اجرا می شود کوتاه نمی آییم



ساخت و ساز گلستان در مسیر فناوری؛ از ساختمان هوشمند تا مدیریت انرژی



مرکز مشاوره

انجام نقشه مغزی و نوروفیدبک و انواع تست های تشخیصی

کوثر قندهاری

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

گرگان، خیابان ولیعصر (شالیکویی)، عدالت ۱۳، ساختمان پزشکان قائم، طبقه چهارم، واحد ۱۵

شماره تماس: ۰۹۳۹۷۶۳۰۹۵۱

یادداشت اول

لوازم التحریر، فرصتی برای روایت یک سرزمین

■ فاطمه سراوانی

مهر که می رسد، شهر بوی مدرسه می گیرد؛ بوی دفترهای نو، مدادهای تراشیده و کیف هایی که قرار است هر روز همراه بچه ها باشند. اما میان این همه رنگ و تصویر، یک سوال ساده باقی می ماند که سهم فرهنگ خودمان در این ویرتین ها کجاست؟ دفتر و کیف فقط ابزار مدرسه نیستند. کودک هر روز تصویر روی جلد دفترش را می بیند و آن را با خود به مدرسه می برد. شخصیت ها و تصاویری که تکرار می شوند، آرام آرام بخشی از جهان ذهنی او را می سازند. لوازم التحریر، بنابراین، می تواند یکی از ساده ترین ابزارهای انتقال فرهنگ باشد. امروز شخصیت های شناخته شده جهانی در بازار لوازم التحریر حضور پررنگی دارند؛ در حالی که بسیاری از چهره های ادبی، تاریخی و فرهنگی ایران سهم اندکی از این بازار دارند. مسئله حذف شخصیت های خارجی نیست؛ مسئله این است که چرا داشته های فرهنگی خودمان را کمتر به محصول تبدیل کرده ایم؟ گلستان در این زمینه ظرفیت فراوانی دارد؛ از میراث و هنرهای بومی تا چهره های ادبی و تاریخی. مختومقلی فراغی، شاعر بزرگ ترکمن، یکی از روشن ترین نمونه هاست. جای تصویر و روایت او فقط در برنامه های رسمی نیست؛ می تواند روی جلد دفتر، کتاب و کیف دانش آموزان بندر ترکمن، گنبدکاووس و دیگر شهرهای ترکمن نشین استان دیده شود. همین ظرفیت درباره چهره های فرهنگی و تاریخی گرگان و دیگر شهرهای گلستان نیز وجود دارد. چرا دانش آموز گلستانی نباید بخشی از هویت سرزمینش را روی دفتر و کیف خود با خود به مدرسه ببرد؟ اینجاست که کار مدیر فرهنگی آغاز می شود. فرهنگ فقط همایش و بنر نیست؛ گاهی یک تصویر درست روی جلد یک دفتر، می تواند کودک را با یک شاعر، یک قهرمان، یک داستان یا بخشی از تاریخ سرزمینش آشنا کند. با شناسایی این چهره ها، همکاری با تصویرگران بومی و همراه کردن تولیدکنندگان، می توان مجموعه ای از محصولات فرهنگی ساخت؛ محصولاتی که هم برای کودک جذاب باشند و هم روایتگر بخشی از هویت گلستان. مهر که می آید، میلیون ها دفتر باز می شود. چه خوب است در میان آن همه تصویر رنگارنگ، چهره هایی هم باشند که کودک بتواند بگوید، این، بخشی از سرزمین من است.

	مراقبت یا کنترل؟ مرز باریکی که گم می شود
	اقامت مسافران ۶۰ درصد کاهش یافت
	موفقیت اتفاقی نیست

اصلاح طلبان گلستان در دیدار با استاندار، استان را بررسی کردند:

حسرت فرصت های سوخته



بیشتری بر رشد GDP استان نسبت به کشور خواهد داشت و این خوب نیست. قوانلو افزود: کاهش گندم تولیدی استان از ۱،۴ میلیون تن در سال ۱۴۰۲ به حدود ۸۲۰ هزار تن در ۱۴۰۴ قطعاً باعث رشد منفی بخش کشاورزی و زارعت استان خواهد شد، در حالیکه تولید گوشت مرغ قابل طبخ کشور از ۲۲۰۵۴۷۹ تن به ۲۶۴۸۲۴۶ تن افزایش داشته اما تولید گوشت مرغ قابل طبخ استان در سال ۱۴۰۴ عدد ۲۸۶۱۲۷ تن بوده و نسبت به عدد ۲۹۷۹۵۶ تن تولید سال ۱۴۰۳، استان، کاهش داشته است، اگرچه رتبه اول تولید گوشت مرغ در کشور را داشتیم. وی یاد آور شد: تولید محصولات باغی استان از ۲۰۶ هزار تن در ۱۴۰۳ با کاهش حدود ۱۲ درصد به ۱۸۱ هزار تن در ۱۴۰۴ رسیده است، اگرچه تولید این محصولات در کل کشور با کاهش روبرو بوده است. (در کشور از ۱۳،۵ میلیون تن به ۱۱،۵ میلیون تن رسیده)

۲ میلیون تن محصولات باغی یعنی حدود ۱۷،۴ درصد از تولیدات باغی کشور را دارد. یکی از مهم ترین دلایل این کاهش رشد اقتصادی استان، پایین بودن بهره وری زمین های کشاورزی حاصلخیز استان است، به عنوان مثال مازندران با داشتن حدود ۵۲ درصد از اراضی کشاورزی ما، فقط در زراعت باغداری ۳،۱ برابر استان ما ارزش افزوده ایجاد کرده است یا گیلان با زمین های زارعی حدود ۲۸ درصد استان ما، تقریباً ۳۵/۱ برابر ما ارزش افزوده بدست آورده است. استان ما با تولید ۲۹۷ هزار تن در بخش تولید طیور رتبه یک کشور بوده اما مازندران با تولید ۲۴۴ هزار تن، تقریباً ۲،۹ برابر استان ما ارزش افزوده ایجاد کرده یا گیلان با تولید ۲۰۱ هزار تن گوشت مرغ یعنی فقط ۶۷ درصد تولیدات ما، حدود ۲ برابر ما ارزش افزوده تولید کرده است. این صاحب نظر اقتصادی ادامه داد: یکی از مهم ترین دلایل عدم رشد اقتصادی استان، می تواند کاهش سرمایه گذاری باشد، از آنجا که تقریباً ۹۵ درصد سرمایه گذاری های بخش خصوصی با کمک تسهیلات بانکی صورت می گیرد، کاهش عملکرد بانک های استان در ارائه تسهیلات در سال ۱۴۰۴ دلیل دیگری بر حتمی بودن رشد اقتصادی منفی خواهد

بود. منابع بانکی استان در اسفند ۱۴۰۴ با رشدی خیلی خوب مواجه شده و از ۱۰۲،۷ همت در سال قبل به ۱۶۷ همت در ۱۴۰۴ رسید، یعنی حدود ۶۴،۳ درصد به منابع استان افزوده شد اما مانده تسهیلات جاری و غیرجاری استان از ۹۰،۹ همت در سال قبلش به ۱۳۰،۹ همت در ۱۴۰۴ رسید که بیانگر رشدی تقریباً برابر با ۴۰ همت در ارائه تسهیلات استان بوده و نسبت تسهیلات به منابع استان از ۸۸،۵ به ۱۴۰،۳ به ۷۸،۴ در ۱۴۰۴ رسیده است که نشان از حداقل ۱۷ همت کمتر ارائه تسهیلات در استان نسبت به سال قبلش دارد و این عدد تقریباً ۲/۲ بودجه عمرانی سال ۱۴۰۴ استان بوده است.

تورم

قوانلو در بخش دیگری به تورم پرداخت و گفت: همواره در طی ده سال اخیر تورم نقطه به نقطه و تورم سالانه استان گلستان تقریباً برابر با تورم کشور یا حتی اندکی پایین تر از تورم نقطه به نقطه و تورم سالانه کل کشور و نهایت اختلاف بین استان و کشور چیزی حدود ۲ تا ۳ درصد بوده است.

ادامه در صفحه ۴ و ۵

علی مکتبی- هفته گذشته شورای اصلاح طلبان استان با استاندار گلستان دیدار کرد. در این دیدار فعالان سیاسی اصلاح طلب تلاش کردند وضعیت عمومی را تحلیل نمایند. در این نشست قوانلو، قرآنی، بهزادیان، دلپچه و شکی سخن گفتند. گزارش کامل سخنان شورای اصلاح طلبان در این نشست را می خوانیم.

حسینقلی قوانلو نائب رئیس جبهه اصلاحات استان گلستان در این دیدار با بیان اینکه در اقتصاد موفقیت یک دولت یا مجموعه ی استان را در شاخص های قابل اندازه گیری می سنجند در زمینه رشد اقتصادی گلستان باید گفت: از آنجا که آمار رسمی رشد اقتصادی با تاخیر سه ساله اعلام می شود، در حال حاضر آخرین آمار موجود از رشد اقتصادی استان مربوط به سال ۱۴۰۱ میباشد و هنوز هم آمار ۱۴۰۴ منتشر نشده اما با بررسی برخی آمارهای رسمی منتشر شده می توان پیش بینی کرد رشد اقتصادی کشور در ۱۴۰۴ تقریباً صفر و رشد اقتصادی بین منفی ۲ تا منفی ۳ درصد خواهد بود. وی ادامه داد :حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص استان، مربوط به کشاورزی است و رشد منفی اقتصادی در ۱۴۰۴ قطعاً در استان ما تاثیر

اعلام آمادگی برای گفت‌وگو و دیپلماسی، مشروط به کنار گذاشتن زبان زور. این دو لزوماً متناقض نیستند؛ یک کشور می‌تواند هم از منافع و امنیت خود دفاع کند و هم از دیپلماسی برای حل اختلافات استفاده کند. از این منظر، نه درست است که سخنان رئیس‌جمهور را بدون نقد و بررسی «بی‌نقص» بدانیم، و نه منطقی است که هر سخن او را صرفاً به دلیل اختلاف سیاسی با دولت، تخطئه کنیم.

رئیس‌جمهور، رئیس یک جناح نیست؛ رئیس قوه مجریه و نماینده رسمی کشور در جایگاه ریاست جمهوری است.

امروز بیش از هر زمان دیگری به این بلوغ سیاسی نیاز داریم که میان «دولت» و «کشور» تفاوت بگذاریم. دولت ممکن است اشتباه کند و باید پاسخگو باشد؛ سیاست‌هایش ممکن است قابل نقد باشد؛ حتی تصمیمات رئیس‌جمهور ممکن است مورد مخالفت بخشی از جامعه قرار گیرد. اما هنگامی که رئیس‌جمهور در یک مجمع بین‌المللی پشت تریبون قرار می‌گیرد، اختلافات داخلی نباید به گونه‌ای بازتاب پیدا کند که اصل جایگاه رسمی کشور تضعیف شود.

حمایت از جایگاه ریاست‌جمهوری به معنای چشم‌پوشی بر خطاهای دولت نیست؛ همان‌گونه که نقد دولت نیز نباید به معنای تضعیف منافع ملی باشد. بیایید سیاست خارجی را از دعوای جناحی جدا کنیم.

اگر پزشک‌های سخنی در دفاع از منافع ایران می‌گویند، آن سخن را به دلیل دفاع از منافع ایران بررسی کنیم؛ نه به دلیل اینکه چه کسی آن را بر زبان آورده است.

و اگر فردا سخنی از همین رئیس‌جمهور برخلاف منافع کشور تشخیص داده شد، باز هم باید با استدلال و منطق نقدش کرد.

این همان چیزی است که جامعه امروز ما بیش از هر چیز به آن نیاز دارد: نه تشویق بی‌قید و شرط، نه مخالفت بی‌قید و شرط؛

نه رئیس‌جمهور پرستی، نه رئیس‌جمهور ستیزی؛

بلکه نقد منصفانه، حمایت از منافع ملی و احترام به نهادهای قانونی کشور. در شرایطی که ایران در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی قرار دارد، اختلاف‌نظر طبیعی است؛ اما تبدیل اختلاف‌نظر سیاسی به تخریب نهادهای رسمی کشور، چیزی است که هزینه آن را در نهایت همه مردم خواهند پرداخت و سعی کنیم همانطوری که از میدان برای سربلندی ایران دفاع می‌کنیم از دیپلماسی و مذاکره نیز برای آن دفاع کنیم.

سخنرانی رئیس‌جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل، بیش از آنکه میدان تسویه‌حساب‌های جناحی باشد، فرصتی برای بیان مواضع جمهوری اسلامی ایران در برابر افکار عمومی جهان بود؛ فرصتی که در شرایط امروز کشور، اهمیت آن دوچندان است.

اما آنچه در حاشیه این سفر و سخنرانی بیش از خود سخنان رئیس‌جمهور جلب توجه می‌کند، نوع برخورد برخی جریان‌های سیاسی در داخل کشور است؛ جریانی که گاهی یک سخن را فقط به این دلیل می‌ستاید که با مواضع سیاسی او همخوان است و همان سخن، اگر از زبان کسی دیگر گفته شود، مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

این نگاه، سیاست را از «مسئله ملی» به «مسئله جناحی» تبدیل می‌کند. اگر رئیس‌جمهور به نیویورک می‌رود، با مجوز و در چارچوب مسئولیت‌های رسمی خود نماینده دولت و ساختار سیاسی کشور است. او در برابر یک تریبون جهانی قرار می‌گیرد تا از مواضع ایران سخن بگوید. بنابراین، حتی اگر کسی با دولت، عملکرد آن یا بخشی از سیاست‌هایش موافق نباشد، می‌تواند نقد کند؛ اما میان نقد عملکرد دولت و تضعیف جایگاه ریاست‌جمهوری در عرصه بین‌المللی باید تفاوت گذاشت. اصل ۱۱۳ قانون اساسی، رئیس‌جمهور را پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور و رئیس قوه مجریه معرفی می‌کند و اصل ۱۷۶ نیز شورای عالی امنیت ملی را به‌عنوان نهادی برای تأمین منافع ملی و هماهنگی امور دفاعی و امنیتی پیش‌بینی کرده است. پس این تصور که رئیس‌جمهور در چنین موضوعات مهمی «از خودش» و بدون قرار گرفتن در چارچوب ساختار تصمیم‌گیری کشور سخن می‌گوید، ساده‌سازی یک واقعیت پیچیده است. البته مسئولیت سخنان و عملکرد رئیس‌جمهور همچنان متوجه خود او و دولت است و نقد آن نیز حق جامعه و رسانه‌هاست. اما یک سؤال مهم باقی می‌ماند:

چرا حمایت یا مخالفت ما با یک سخن، نباید به گونه‌ای وابسته باشد؟ اگر سخنی درست است، به دلیل درستی آن باید از آن دفاع کرد؛ نه به دلیل اینکه گوینده‌اش همفکر ماست. و اگر سخنی نادرست است، باید به دلیل محتوایش نقد شود؛ نه به این دلیل که گوینده‌اش پزشک‌های، اصولگرا، اصلاح‌طلب یا هر عنوان سیاسی دیگری است.

در سخنرانی امروز پزشک‌های نیز دو محور در کنار یکدیگر قرار گرفت: از یک سو تأکید بر ایستادگی در برابر تهدید و فشار، و از سوی دیگر

«

رئیس‌جمهور را با عینک جناحی نبینیم



ابراهیم مهدوی

الفتی و درخشش در بازی‌های آسیایی

عادل مجللی در قایقرانی از جمله نمایندگان ورزش استان در آن دوره بودند. پیشینه این حضور البته به سال‌های اخیر محدود نمی‌شود. رضا سوخته‌سرابی، کشتی‌گیر نامدار گلستانی، از چهره‌های پرافتخار تاریخ بازی‌های آسیایی ایران است که سابقه کسب سه مدال طلا و یک مدال نقره این رقابت‌ها را در کارنامه دارد و همچنان یکی از برجسته‌ترین نمایندگان مدال‌آوری ورزش گلستان در عرصه آسیایی به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر نیز کبدی به یکی از مسیرهای اصلی مدال‌آوری ورزشکاران گلستانی در بازی‌های آسیایی تبدیل شده و با حضور پررنگ ورزشکاران استان در تیم‌های ملی مردان و زنان، سهم مهمی در افتخارات ورزش گلستان داشته است. در این میان، مسیر مهدی الفتی حالا رنگ و بوی متفاوتی دارد. او از هانگ‌زو تا ناگویا دو بار در پرش خرک روی سکوی بازی‌های آسیایی ایستاده و در فاصله میان این دو موفقیت نیز در المپیک پاریس به فینال این ماده رسید که نشان می‌دهد ژیمناستیک گلستان از یک حضور صرف در سطح ملی عبور کرده و به یکی از رشته‌های صاحب‌نام ورزش استان در عرصه بین‌المللی تبدیل شده است. نقره ناگویا برای الفتی شاید از نظر رنگ با طلای مورد انتظار فاصله داشته باشد، اما فاصله ۶۶ هزارم امتیازی او با قهرمان المپیک، تصویری روشن از رقابتی نزدیک در بالاترین سطح آسیا ارائه می‌کند.



جعفری و محدثه رجیلو از جمله چهره‌های گلستانی حاضر در ترکیب تیم‌های ملی کبدی بودند. در هانگ‌زو نیز نام گلستان در رشته‌های مختلف دیده شد و ۲۹ ورزشکار، مربی، سرپرست و داور از این استان در کاروان ایران حضور داشتند. صابر کاظمی در والیبال، فاضل اتراجالی و دیگر ملی‌پوشان گلستانی در کبدی، مهدی الفتی در ژیمناستیک، بهمن سالمی در والیبال ساحلی، پرهام مقصودلو در شطرنج و

گلستان در میدان آسیایی تثبیت کرده است. درخشش الفتی در حالی رقم خورد که حضور ورزشکاران گلستانی در بازی‌های آسیایی طی سال‌های گذشته همواره با مدال و افتخار همراه بوده است. در بازی‌های آسیایی جاکارتا، شماری از ورزشکاران گلستانی عضو تیم‌های ملی کبدی ایران بودند و در موفقیت این تیم‌ها سهم داشتند؛ فاضل اتراجالی، امیرحسین بسطامی، علیرضا میرزائی، محمداکرم ناصری، صدیقه

پرش بلند مهدی الفتی در آسمان ناگویا، یک بار دیگر نام گلستان را بر سکوی بازی‌های آسیایی نشانده؛ ژیمناست گرگانی با فاصله‌ای تنها ۶۶ هزارم امتیاز از مدال طلا، نقره پرش خرک را به دست آورد تا یکی از تازه‌ترین برگ‌های کارنامه مدال‌آوری ورزش گلستان در بزرگ‌ترین آوردگاه ورزشی قاره آسیا رقم بخورد. به گزارش ایرنا، مرور کارنامه ورزشکاران گلستان در دوره‌های مختلف بازی‌های آسیایی نشان می‌دهد این استان طی دهه‌های گذشته سهم قابل توجهی در موفقیت کاروان ورزشی ایران داشته و از قهرمانان کبدی و والیبال‌ها و حالا ژیمناستی که نامش با یکی از مهم‌ترین موفقیت‌های تاریخ ژیمناستیک ایران گره خورده است، در افزون بر حجم مدال‌های کاروان ایران نقشی قابل اعتنا داشتند. در تازه‌ترین نمونه، مهدی الفتی در فینال پرش خرک بازی‌های آسیایی آچی-ناگویا ۲۰۲۶ دو اجرای خود را با امتیازهای ۱۵.۱۰۰ و ۱۳.۹۶۶ پشت سر گذاشت و میانگین ۱۴.۵۳۳ را ثبت کرد تا روی سکوی دوم بایستد. فاصله این ورزشکار گلستانی با کارلوس یولو، قهرمان المپیک پاریس که طلای این ماده را به دست آورد، تنها ۶۶ هزارم امتیاز بود. ژیمناست گرگانی در بازی‌های آسیایی هانگ‌زو نیز در پرش خرک مدال نقره گرفته بود و اکنون با تکرار این عنوان در ناگویا، جایگاه خود را به عنوان یکی از چهره‌های شاخص ورزش

حرف مردم

بیمه‌ی تکمیلی
یا دکان پول‌سازی

چندی پیش یکی از آشنایان سال‌مند برای پرسیدن از وضعیت دندان‌ها که بسیار اذیتش می‌کرد به مطب دندان‌پزشکی رفت. پزشک پس از بررسی اندک دندان‌های موجود و جای خالی دندان‌های غایب، پیشنهاد کرد که باید ایمپلنت انجام بدهی. پس از بررسی مجدد و دقیق‌تر و برآورد هزینه‌ها به بیمار گفت دست‌کم ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون در مرحله‌ی اول و حدود ۱۰۰ میلیون در مرحله‌ی دوم هزینه دارد. آشنای سال‌مند ما پذیرفت و پزشک به اقدامات اولیه پرداخت. یک بار که به دیدار این آشنای سال‌مند رفته بودیم، از من خواش کرد که هروقت گذرم به خیابان لشکر افتاد، یک تکیا از پله‌های ساختمان شرکت بیمه‌ی آتیه‌سازان حافظ بالا بروم و بپرسم برای ایمپلنت دندان چه مبلغی می‌پردازند. آتیه‌سازان حافظ شرکتی ست که به‌عنوان بیمه‌ی تکمیلی عمدتاً افرادی

را که بیمه‌ی تأمین اجتماعی دارند پوشش می‌دهد، یعنی در واقع بخشی از کم‌کاری‌های تأمین اجتماعی را در پرداخت هزینه‌ی درمان بیماران، جبران می‌کند اگرچه بسیاری از بیماری‌ها را هم به عهده نمی‌گیرد و هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند. وقتی به آتیه‌سازان رفتم و موضوع را از مسئول مربوط پرسیدم، گفت ما برای این کار هیچ تعهدی نداریم. پرسیدم پزشک چه چیزی می‌تواند بنویسد تا دست‌کم بخشی از این هزینه‌ی هنگفت جبران شود؟ در پاسخ گفت آتیه‌سازان هیچ تعهدی در امور دندان‌پزشکی ندارد. حداکثر می‌توانید برای کشیدن دندان به درمان‌گاه‌های تأمین اجتماعی مراجعه کنید، در واقع تأمین اجتماعی و بیمه‌ی تکمیلی آتیه‌سازان تنها برای ناقص کردن و خراب کردن تعهد دارند و کاری به کار کامل کردن و آباد کردن ندارند. از آن مسئول محترم پرسیدم چه‌طور شما برای یکی از کلیدی‌ترین بخش‌های بدن آدمی هیچ تعهدی ندارید؟ آیا دندان‌های خود شما مادام‌العمر هستند و هیچ‌گاه نیازی به دندان‌پزشکی ندارید؟ خیلی خون‌سرد و راحت و سراسر است گفت در آیین‌نامه‌های آتیه‌سازان هیچ تعهدی برای دندان‌پزشکی نیامده است، اما نگفت همان آیین‌نامه‌ها برای دریافت حق بیمه از بیماران چه تصمیمی در نظر دارد که هر سال علاوه بر افزایش مقدار آن به همراه اضافه شدن حقوق، خود نیز سالانه مبلغی بر آن می‌افزاید و هیچ‌گاه بیلان مالی خود را منتشر نکرده است که مجموعاً چه‌قدر سالانه حق بیمه دریافت می‌کند و چه‌قدر در یک سال هزینه می‌کند و سود یک‌ساله‌ی سازمان چه‌قدر است!! وقتی به نارسای‌ها و بلبشوی حاکم بر اوضاع و احوال بیمه در این کشور فکر می‌کنم، متحیرم که از سر درد باید بگیرم یا به حال و روز خود و دیگر هم‌وطنان

بخندم و حتا قهقهه سر دهم؟ اصلاً بیمه یعنی چه؟ چه کارکردی دارد؟ به چه اموری باید پردازد؟ اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم کل موضوع بیمه در این سرزمین، یک دکان و دست‌گاه پول‌سازی ست. در حال حاضر سه نوع بیمه‌ی درمانی در این سرزمین رایج است. بیمه‌ی خدمات درمانی، بیمه‌ی تأمین اجتماعی و در سال‌های اخیر بیمه‌ی سلامت. اگر قرار باشد کار به درستی انجام شود، هر یک از این سه دست‌گاه بیمه می‌تواند مثل بسیاری از کشورها کارتی به فرد بیمه شده بدهند تا با ارائه‌ی آن از کلیه‌ی خدمات درمانی بهره‌مند شوند، اما از آن‌جا عده‌ای آموخته‌اند از هر موضوعی به نفع جیب خود و اعوان و انصار خود پول‌سازی کنند، انواع و اقسام بیمه‌های رنگارنگ را در این کشور رواج داده‌اند و چون حمایت دولتی هم دارند کارشان خیلی زود سکه می‌شود. علاوه بر شرکت‌هایی از این نوع مثل آتیه‌سازان، دی، دانا، ملت و... که تازه هر کدام هم در درون خود بخش‌های جداگانه‌ای برای پول‌سازی طراحی کرده‌اند مثل بیمه‌ی تکمیلی، بیمه‌ی اکمل، بیمه‌ی طلایی، بیمه‌ی طلایی ویژه و... که در واقع همه و همه دکان و دست‌گاهی ست برای پول‌سازی و حالی کردن جیب مردم. همین بیمه‌ی آتیه‌سازان در گذشته‌های نه چندان دور، وقتی فاکتور یک عمل درمانی را دریافت می‌کرد، طبق گفته‌ی خودشان بعد از ۳۰ روز کاری مبلغ به حساب بیمار واریز می‌شد. همین ۳۰ روز تبدیل به سه ماه و اینک به حدود ۹ ماه رسیده است که آشکارا نشان از افزون‌طلبی و طمع زیاد مالکان این شرکت‌هاست که هیچ نظارتی هم بر آن‌ها نیست. چه تعداد از پزشکان و بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها بابت همین پرداخت‌های دیربه‌دیر قرارداد خود را فسخ

نماینده مجلس:

پتروشیمی گلستان اجرایی می‌شود؛ کوتاه نمی‌آیم

یک خبر برای تأمین بخش قابل توجهی از هزینه‌ها اعلام آمادگی کرده است. وی گفت: بیمارستان جایگزین کودکان طالقانی نیز در حال ساخت است و برای توسعه اورژانس بیمارستان آق‌قلا، تکمیل مراکز سلامت و تأمین تجهیزات پزشکی استان نیز اعتبارات و مجوزهای لازم پیگیری شده است. سنگدوینی همچنین از اختصاص منابع برای ساخت مسکن محرومان خبر داد و گفت: حدود ۶۰ میلیارد تومان از منابع عمرانی در اختیار نمایندگی برای ساخت مسکن محرومان به کمیته امداد اختصاص یافت و عملیات اجرایی ۳۰۰ واحد مسکونی در گرگان آغاز شده است. در صورت تأمین زمین، آمادگی ساخت ۲۰۰ واحد دیگر نیز وجود دارد. وی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت تعامل و همدلی در کشور تأکید کرد و گفت: یکی از مهم‌ترین مسائل کشور، فاق و همدلی است و دشمن به دنبال ایجاد دوگانگی و تفرقه در جامعه است. سنگدوینی همچنین بر ضرورت ارتباط مستمر مدیران با رسانه‌ها تأکید کرد و افزود: دستگاه‌های اجرایی باید خبرنگاران را به صورت مستمر دعوت کنند، عملکرد خود را توضیح دهند و حتی اگر خبرنگاری انتقادی مطرح کرد، پاسخ آن را بدهند؛ چرا که اطلاع‌رسانی دقیق اقدامات انجام‌شده، بخشی از خدمت به مردم است. وی با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل، از مواضع وی درباره مقاومت و منافع ملی حمایت کرد و بر ضرورت تقویت وحدت و همدلی در شرایط کنونی تأکید کرد.



مسئولان وزارت راه و شهرسازی رایزنی شده است. وی افزود: طرح چهارخطه شدن محور قدیم گرگان - کردکوی نیز در حال اجراست و تلاش می‌شود بخشی از این مسیر تا پایان سال به بهره‌برداری برسد. همچنین برای توسعه محورهای گرگان - آق‌قلا، آق‌قلا - گنبد و مسیر گرگان - بندرترکمن نیز پیگیری‌های اعتباری انجام شده است. نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس با اشاره به طرح‌های حوزه سلامت اظهار کرد: مجوز احداث بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی جلین پس از پیگیری‌های انجام‌شده اخذ شده و برای ساخت بیمارستان شهدای شهر نیز

نیاز پروژه نیز گفت: در این زمینه دو موضوع مطرح بود؛ یکی تخفیف پنج درصدی و دیگری جبران ۱۱ ماه. درخصوص ۱۱ ماه، در جلسه‌ای با حضور رئیس مجلس و وزیر نفت توافق شد این موضوع از محل جمع‌آوری گازهای همراه در عسلویه جبران شود و موضوع پنج درصد نیز نیازمند مکاتبات و پیگیری با دولت است. سنگدوینی همچنین با اشاره به پروژه‌های زیرساختی حوزه انتخابیه خود، کمربندی دوم گرگان را یکی از طرح‌های مهم دانست و گفت: این قطعه می‌تواند نقش مهمی در کاهش ترافیک و افزایش ایمنی تردد داشته باشد و برای تسریع در اجرای آن با

نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی با تشریح آخرین پیگیری‌ها برای رفع موانع پتروشیمی گلستان گفت: هلدینگ خلیج فارس برای اجرای این پروژه اعلام آمادگی کرده و با پیگیری‌های انجام‌شده بخشی از موانع قضایی، گازی و اجرایی آن برطرف شده است؛ این پروژه با وجود زمان‌بر بودن، باید به مرحله اجرا برسد. به گزارش روابط عمومی، رمضانعلی سنگدوینی، با اشاره به آخرین اقدامات انجام‌شده برای تعیین تکلیف پتروشیمی گلستان اظهار کرد: رفع موانع قضایی این پروژه با همکاری دستگاه قضایی انجام شده و از مسئولان قضایی استان و کشور که در این زمینه همکاری کردند، قدردانی می‌کنم. وی افزود: در جلساتی که با وزیر نفت، مدیرعامل هلدینگ خلیج فارس و مسئولان استان برگزار شد، توافقی‌هایی برای ورود جدی هلدینگ خلیج فارس به پروژه پتروشیمی گلستان انجام گرفت و اکنون نیز این مجموعه اعلام کرده که برای اجرای پروژه پای کار است. سنگدوینی با اشاره به حدود ۹۰ هزار سهامدار در این پروژه گفت: پتروشیمی گلستان متعلق به مردم است و همه دستگاه‌ها، مجمع نمایندگان و مسئولان باید برای اجرای آن پیگیری کنند. مدیرعامل فعلی پروژه نیز موضوع را با جدیت دنبال می‌کند. نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس ادامه داد: اجرای یک پروژه پتروشیمی در مدت ۶ ماه یا یک سال امکان‌پذیر نیست و زمان می‌برد، اما مسیرهای لازم در حال طی شدن است و ما نیز از پیگیری این موضوع کوتاه نمی‌آیم. وی درباره تأمین گاز مورد

ادامه تیر اول

در شهریور ۱۴۰۳ و زمان تحویل دولت، تورم نقطه به نقطه استان ۳۱.۱ و تورم نقطه به نقطه کشور ۳۱.۲ بوده است، همان مقطع تورم سالانه استان ۳۴ درصد و تورم سالانه کشور ۳۴.۲ درصد بود. طبق آمار رسمی در مهر ماه امسال تورم نقطه به نقطه استان ۱۰۴.۳ درصد و تورم کشور ۸۹ درصد بوده است، یعنی حدود ۱۵.۳ درصد تورم استان بالاتر از تورم کشور بوده، همین مقایسه برای تورم سالانه نشان می‌دهد، تورم سالانه استان ۸۰.۲ درصد و کشور ۶۹.۹ درصد بوده است، در این بخش نیز ۱۰.۳ درصد بالاتر از نرخ تورم سالانه کشور را داشتیم. حالا از این مقایسه چه نتیجه ای می‌توانیم بگیریم، اگر ارزش ستانده بازار استان را ۲۰۰ همت رند کنیم و آنرا در اختلاف ۳/۱۰ درصد ضرب نماییم، به عدد ۲۰.۶ همت میرسیم، یعنی فقط در همین یک سال هم استانی های ما بیش از ۲۰ همت کالاهای بازار را گران‌تر از میانگین کشوری خریداری کرده‌اند.

در مرداد ماه تورم مواد خوراکی استان به رقم بی سابقه ی ۱۳۵.۴ درصد رسید که در این شاخص هم نسبت به کشور حدود ۷.۳ درصد بالاتر بوده است.

شاخص اشتغال

قوانلو درباره اشتغال و رشد شاخص های آن نیز گفت: نرخ بیکاری استان در سال ۸۴ عدد ۸/۸ درصد بوده که گلستان را جزو ۴ استان دارای پایین ترین نرخ بیکاری در سطح کشور معرفی نموده در حالیکه آن زمان میانگین نرخ بیکاری کشور ۱۱.۶ درصد بود، در سال ۱۴۰۳ با نرخ بیکاری ۹.۲ درصد استان بیست و چهارم کشور یعنی هفتمین استان کشور با بالاترین نرخ بیکاری بودیم و نرخ بیکاری کشور ۷.۶ درصد بوده است. در سال ۱۴۰۴ با نرخ بیکاری ۹/۹ درصد جزو ۴ استان دارای بالاترین نرخ بیکاری کشور بوده ایم که در همین سال نرخ بیکاری کل کشور به ۷.۵ درصد رسیده بود. وی درباره نرخ مشارکت اقتصادی نیز گفت: نرخ مشارکت اقتصادی استان در سال ۸۴ با عدد ۵۱.۱ درصد جزو ۴ استان با بالاترین مشارکت اقتصادی کشور بودیم درحالی که در سال ۱۴۰۳ با نرخ مشارکت اقتصادی ۳۹.۹ درصد جزو ۹ استان با پایین ترین نرخ مشارکت اقتصادی شدیم، در سال ۸۴ میانگین مشارکت اقتصادی کشور ۴۶.۷ درصد و در سال ۱۴۰۳ میانگین کشوری ۴۰.۳ بوده است. در سال ۱۴۰۴ این نرخ اندکی بهبود داشته و به ۴۰.۳ در استان رسیده است اما همچنان جزو ده استان دارای پایین ترین نرخ مشارکت اقتصادی کشور هستیم.

قوانلو افزود: در نسبت اشتغال هم در سال ۱۴۰۴ با نرخ ۳۶.۳ درصد جزو ۹ استان کشور با پایین ترین نسبت اشتغال هستیم در حالیکه در سال ۸۴ استان ما با نرخ اشتغال ۴۶.۶ درصد دومین رتبه ی بالاترین نسبت اشتغال در کل کشور را داشتیم. در نرخ بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله هم با اینکه در سال ۸۴ با نرخ بیکاری ۱۶.۸ درصد جزو ۴ استان با پایین ترین نرخ بیکاری جوانان بودیم، در سال ۱۴۰۳ با نرخ ۲۸.۸ درصد در این شاخص استان ۲۵ ام کشور و در سال ۱۴۰۴ با نرخ ۳۴.۸ درصد بعد از ایلام، بالاترین نرخ بیکاری جوانان کشور را داشتیم. در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۵ درصد از شاغلین استان، اشتغال ناقص داشته اند، یعنی حدود ۸۱۵۹۸ نفر از ۵۴۳۹۹۰ شاغلین استان دارای اشتغال ناقص هستند درحالی که این شاخص نسبت برای کل کشور حدود ۷.۲ درصد و این نشان می‌دهد سهم اشتغال ناقص استان از کل اشتغال موجود حدود ۲ برابر نرخ کشور میباشد و در این شاخص هم بعد از خراسان شمالی، بالاترین سهم اشتغال ناقص را در بین استان های کشور داریم. مهندس قوانلو در ادامه بحث اشتغال و شاخص های اشتغال ادامه داد: از جمع ۵۴۳۹۷۹ نفر شاغلین استان در سال ۱۴۰۴ تعداد ۲۹۱۷۲۰ نفر در بخش رسمی و تعداد ۲۵۲۲۵۹ نفر در بخش غیر رسمی مشغول بوده اند، یعنی ۵۳.۶ درصد شاغلین در بخش رسمی و ۴۶.۴ درصد در بخش غیر رسمی شاغل بوده اند. در کل کشور اما ۶۲.۲ درصد در بخش رسمی

و ۳۷.۴ شاغلین غیر رسمی بوده اند. بخش غیر رسمی به بنگاه ها و واحدهایی میگویند که به منظور ایجاد اشتغال و درآمد برای خود شخص ایجاد می‌گردد و در سطح خرد و تشکیلات کوچک اغلب فامیلی بدون رعایت قوانین استخدامی و قانون کار و بعضا جواز کسب و کار نیز ندارند و اغلب به صورت خویش کارفرما و خانوادگی اداره می‌گردند.

قوانلو در ادامه بطور خلاصه عملکرد در بخش اشتغال در سال ۱۴۰۴ نسبت به ۱۴۰۳ را بررسی کرد و یاد آور شد: نرخ بیکاری استان از ۹.۲ درصد به ۹/۹ درصد افزایش یافته، در حالیکه نرخ بیکاری در کشور از ۷.۶ درصد به ۷.۵ درصد کاهش داشته است. نرخ بیکاری جوانان از ۲۸.۳ درصد به ۳۴.۳ درصد افزایش داشته، در حالیکه نرخ بیکاری جوانان در سطح کشور تقریبا ثابت بوده است (از ۲۰.۱ درصد به ۲۰.۴ درصد) که بعد از ایلام بالاترین نرخ بیکاری کشور را داریم. سهم اشتغال ناقص استان از ۱۴.۴ درصد به ۱۵ درصد افزایش داشته است، در حالیکه این نرخ در کشور از ۷.۶ به ۷.۲ کاهش یافته است، بعد از خراسان شمالی بالاترین نرخ اشتغال ناقص را داریم. قوانلو ادامه داد: نرخ بیکاری زنان جوان استان با جهش ۲ برابری از ۳۶.۹ درصد به ۶۱.۳ درصد رسیده است در حالیکه این نرخ در کشور کمتر از ۳ درصد رشد داشته است. و با درباره اشتغال رسمی استان باید اذعان کرد استان از ۶۰ درصد به ۵۳.۶ درصد کاهش داشته است، در حالیکه این نرخ در کشور تقریبا ثابت و استان گلستان با میانگین کشوری حدود ۹ درصد اختلاف دارد.

ضرب جینی

قوانلو در پایان درباره ضریب جینی GDP گلستان گفت: یکی از مهم ترین شاخص های سنجش نابرابری اقتصادی استان و کشور است و هرچه این عدد به یک نزدیکتر باشد یعنی نابرابری بیشتر و هر چه به صفر نزدیکتر باشد نشان از برابری اقتصادی در جامعه است. در سال ۱۴۰۳ ضریب جینی خانوار شهری استان گلستان با ۴۰.۶۴/۰ بعد از سیستان و بلوچستان بالاترین نرخ بین استان های کشور بوده، در خانوارهای روستایی این عدد ۳۴۷۹ درصد برای گلستان بدست آمده که بعد از همدان و هرمزگان رتبه سوم بالاترین نرخ کشور میباشد. اما در ترکیب این دو یعنی جمعیت شهری و روستایی بالاترین عدد استان های کشور را داشتیم. با توجه به تورم بسیار بالاتر در ۱۴۰۴ و رشد اقتصادی بدتر قطعا این عدد در سال ۱۴۰۴ بدتر از قبل نیز شده است. قوانلو افزود: مهم ترین مشکل استان گلستان در اقتصاد، کمبود و نداشتن مدیران سیاستگذار در سطح استان و عدم استفاده صحیح از مدیران بروکرات و تکنوکرات و بعضا استفاده جابجا از بین آنهاست، یعنی جایی که باید مدیری بروکرات- دانش تخصصی ندارد اما زیر و بم ساختار اداری را بلد است و لابی گر مهاری هم هست، اهل ایجاد تغییر و تحول نیست، سیاست‌های ابلاغی را دقیق اجرایی می‌کند، سابقه اجرایی خوب و مدیریت جلسه ای دارد و بر قوانین و مقررات مسلط است و حتی سیاست های اشتباه را هم خوب اجرا می‌کند - را استفاده کنیم، اشتباهها مدیری تکنوکرات - دانش فنی تخصصی نسبی دارد، پشت میز نشین نیست، از بروکراسی و جلسه روی گردان است، نتیجه گرا است و سیاست های کوتاه مدت را دوست دارد - گذاشته ایم، اما کمتر از مدیر سیاست گذار - دانش و تخصص کامل دارد، اهل تحلیل مداوم متغیرهای اقتصادی است، اهل مطالعه است و پیش بینی های بلند مدت دارد، قول کوتاه مدت نمی‌دهد و ذاتا توان اجرایی بالا ندارد - بهره برده ایم. کشور و استان به هر سه این مدیران اما در جای مناسب خود احتیاج دارد.

وضع موجود به نفع هیچکس نیست

در ادامه این نشست، مهدی شکی رئیس کمیته پایش جبهه اصلاحات گلستان گفت: آنچه امروز از سوی جبهه اصلاحات استان گلستان مطرح می‌شود، نه از سر تقابل است، نه با نیت سهم‌خواهی سیاسی و نه برای ایجاد حاشیه. ما از سر دلسوزی مشفقانه و با هدف حل مسائل استان سخن می‌گوییم. معتقدیم اگر قرار است دولت وفاق ملی در استان موفق باشد، باید از همه ظرفیت‌های

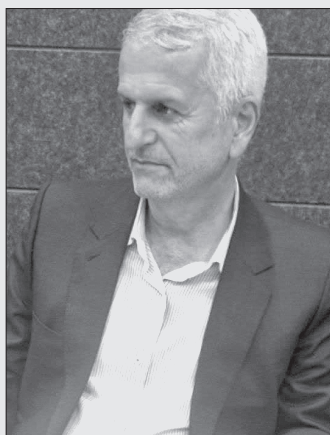
اجتماعی، سیاسی و تخصصی حامی دولت بهره گرفته شود و در این میان، جبهه اصلاحات به عنوان بزرگ‌ترین تشکل حامی دولت در استان، نمی‌تواند و نباید از مدار پاسخگویی و مشورت‌پذیری کنار گذاشته شود که متأسفانه تاکنون چنین بوده است. وی افزود: بر اساس ارزیابی کمیته پایش جبهه اصلاحات در دی‌ماه ۱۴۰۴، از مجموع ۲۴۵ جایگاه مدیریتی تعریف شده در شهرستان‌ها، در ۹۲ مورد تغییر صورت گرفته است؛ یعنی حدود ۳۷.۶ درصد جایگاه‌ها تغییر کرده‌اند. اما از همین ۹۲ تغییر، تنها ۴۰ نفر از حامیان دولت بوده‌اند؛ یعنی فقط ۴۳.۵ درصد تغییرات به حامیان دولت رسیده و ۵۲ نفر یعنی ۵۶.۵ درصد تغییرات به غیرهمسوها یا غیرحامیان دولت سپرده شده است. همچنین این ۴۰ نفر، تنها ۱۶.۳ درصد از کل ۲۴۵ جایگاه شهرستانی را تشکیل می‌دهند. ۱۵۳ جایگاه یعنی حدود ۶۲.۴ درصد نیز بدون تغییر باقی مانده‌اند که عمدتاً در اختیار نیروهای غیرهمسو هستند. شکی ادامه داد: طبیعی است که جنابایی بر ریز تغییرات مدیران شهرستانی اشراف کامل نداشته باشند؛ چون بر اساس آنچه از روند انتصابات برمی‌آید، اداره شهرستان‌ها عملاً به نمایندگان مجلس واگذار شده است. ما هم به احترام همین «واگذاری»، خیلی وارد ریز جزئیات نمی‌شویم و فقط کلیات را عرض می‌کنیم. اگر لازم شد، جزئیات را می‌توان از خود نمایندگان محترم پرسید؛ چون ظاهراً نقش اصلی در انتصابات شهرستانی از آن ایشان است. رئیس کمیته پایش جبهه اصلاحات گلستان یاد آور شد: در بررسی آخرین آمار نهایی مربوط به سطوح ارشد مدیریت استان که اواخر شهریور ۱۴۰۵ انجام پذیرفت نیز وضعیت چندان بهتر نشده است. از مجموع ۹۸ جایگاه مدیریتی شامل ۳۰ معاون و مدیر در مجموعه استانداری، ۵۴ مدیرکل و مدیران استانی و ۱۴ فرماندار، تنها ۵۳ نفر یعنی حدود ۵۴ درصد از حامیان دولت و مستقین هستند. به بیان دیگر، ۴۶ جایگاه یعنی بیش از ۴۶ درصد در اختیار نیروهای غیرهمسو یا حتی مخالفان دولت قرار دارد. نزدیک به نیمی از جایگاه‌های ارشد استان خارج از دایره‌ی همراهی با گفتمان دولت وفاق ملی است. وی با انتقاد از انتصابات گفت: مدیری که به گفتمان دولت وفاق ملی اعتقادی ندارد، نه تنها کاری برای پیشبرد آن نخواهد کرد، بلکه در بزنگاه‌ها نیز نمی‌توان امید و اطمینان داشت که نهایت تلاشش را برای حل مسائل استان به‌کار گیرد. تجربه نشان داده است که مدیران ناهمگون با گفتمان حاکم، در بهترین حالت، صرفاً به «اداره کردن امور» بسنده می‌کنند و در بدترین حالت، خود به مانعی برای پیشرفت تبدیل

می‌شوند.

شکی تأکید کرد: افزون بر این، دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور محترم، همواره بر استفاده از ظرفیت شایستگان و افرادی که واجد توانایی حل مسئله هستند تأکیدات فراوان داشته‌اند. اما جناب آقای استاندار؛ همان‌گونه که گزارش ارائه شده در حوزه اقتصاد و معیشت نشان می‌دهد، وضعیت استان در این بخش‌ها اصلاً مطلوب نیست و فاصله‌ی تورمی و معیشتی گلستان با میانگین کشوری بسیار نگران‌کننده است. آمارهای رسمی نشان می‌دهد که برابند مدیران استان نسبت به حل چالش‌ها و مسائل استان دغدغه‌ای ندارند و این یعنی جناب آقای استاندار، با احترام به شما، سیاست‌گذاری و شیوه اداره استان نیازمند بازنگری جدی است. اعتقاد داریم بخش مهمی از وضعیت استان، ناشی از سیاستی است که در آن، به جای اتکا به بدنه کارشناسی و نخبگانجامی دولت، عمدتاً به توصیه‌ها و فشارهای بیرونی - مشخصاً از سوی نمایندگان مجلس- عمل شده است که این امر، هم اقتدار اجرایی استاندار را تضعیف میکند و هم گشودن مسیر برای پاسخگویی مؤثر را دشوار ساخته است چرا که معلوم نیست چه کسی مسئول و پاسخگو است و چه کسی ناظر. چرا که با اختلاط بین مرز نظارت و اجرا و عدم‌توجه به اصل تفکیک قوا، آنچه رقم می‌خورد ناکارآمدی و فشل شدن دستگاه خدمت‌رسانی به مردم است که از تأکیدات مؤکد رهبر شهیدمان بود که همواره تذکر می‌دادند: «مبادا خط خدمت‌رسانی به مردم فشل شود».

شکی گوشزد کرد: ما صریح و روشن می‌گوییم: دخالت‌های خارج از چارچوب نمایندگان در انتصابات باید متوقف شود. تداوم چنین روندی، شایسته‌سالاری را فرسوده و موجب می‌شود که مدیران، به‌جای تکیه بر برنامه دولت، درگیر ملاحظات بیرونی - که عمدتاً با رویکرد مرید و حامی‌پروری صورت می‌پذیرد- شوند. انتظار ما از جنابایی این است که به‌عنوان نماینده عالی دولت در استان، از استقلال اداری خود صیانت کنید و اجازه ندهید استان در وضعیت ناترازی مدیریتی تثبیت شود.

ظرفیت جبهه اصلاحات و نخبگان سیاسی- اجتماعی استان باید در تصمیم‌سازی‌ها به رسمیت شناخته شود. این تأکید، از سر



استاندار، استان را بررسی کردند:

ن‌های سوخته



سهم‌خواهی نیست، از آن روست که حل مسائل استان، بدون بهره‌گیری از تجربه، تخصص و پشتوانه اجتماعی نیروهای مؤثر، ممکن نخواهد بود. شما در حل چالش‌ها نیاز به پشتوانه‌ی اجتماعی مردم دارید. واقعیت این است که استان گلستان با ظرفیت مدیریتی از شرق تا غرب استان و با تنوع شیعه و سنی، هم در حوزه انتصاب مدیران و هم در حوزه تخصیص منابع، از یک ظرفیت منحصر به فرد برخوردار است. این تنوع، نه یک تهدید، بلکه یک سرمایه ملی است که متأسفانه در عمل مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این درحالی ست که در استان مجاور یعنی مازندران تعداد ۱۲۴ خانم در فرمانداری، چندین معاون فرماندار، بخشدار و معاون مدیرکل به کارگیری شدند، یا در استان گیلان، ۳ فرماندار و ۶ معاون فرماندار و ۱۰ بخشدار و مجموعاً قریب به ۲۰۰ مدیر خانم منصوب شده‌اند.

اقای استاندار، توجه به نقش زنان، جوانان و نخبگان اهل سنت که از شعارهای محوری دکتر پزشکیان در ایام انتخابات بود، در استان گلستان تقریباً محقق نگردیده است. امروز در جایگاه‌های مدیریتی استان، سهم این گروه‌های شایسته و همسو با گفتمان دولت، بسیار کمتر از انتظار و شأن مردم گلستان است. این در حالی است که بانوان توانمند و جوانان نخبه‌ی استان، هم در حوزه‌های تخصصی و هم در حوزه‌های اجتماعی، ظرفیت‌های بی‌شماری برای خدمت دارند. بی‌توجهی به این سرمایه، نه تنها بی‌احترامی به گفتمان دولت وفاق ملی است، بلکه فرصت‌سوزی برای استان نیز محسوب می‌شود. انتظار ما این است که در انتصابات آینده، توازن جنسیتی و حضور جوانان و نخبگان اقوام به عنوان یک اصل جدی مورد توجه قرار گیرد و استان گلستان به الگویی در این زمینه تبدیل شود چرا که این کشور نیاز به نیروسازی دارد و مدیران جوان باید مورد اعتماد قرار گیرند تا رشد کنند. ما نمی‌خواهیم این سخن در قالب گلایه باقی بماند. هدف ما این است که با یک تلنگر جدی و مشفقانه، توجه جنبه‌ای را به این حقیقت جلب کنیم که ادامه وضعیت موجود، نه به نفع دولت است، نه به نفع مردم، و نه به نفع اعتماد عمومی.

نیازمند تعامل مستمر هستیم

محمدرضا قرآنی عضو شورای اصلاح طلبان و

حزب توسعه ملی نیز با تأکید بر ضرورت تقویت ارتباط میان جبهه اصلاحات و مدیریت استان گفت: این جمع، از دلسوزان نظام و حامیان دولت پزشکیان است و نقدها و پیشنهادهایش با هدف اصلاح امور و کمک به دولت مطرح می‌شود. متأسفانه ارتباط جبهه اصلاحات با مجموعه مدیریتی استان بسیار کمرنگ شده و پیشنهاد ما ایجاد یک ارتباط مستمر و سیستماتیک میان جبهه اصلاحات و استانداری است. قرآنی ادامه داد: در شرایط فعلی کشور، مهم‌ترین مسئله، جنگ و ضرورت رسیدن به صلح و توافق عزتمندانه است. انتظار داریم مدیران استان در چارچوب مواضع دولت، صریح‌تر از سیاست‌های رئیس‌جمهور حمایت کنند و صدای دولت مستقر باشند. وی افزود: در استان نیز شکاف‌های شرق و غرب، جوانان، بانوان و اقوام در حال افزایش است و باید با اصلاح روند انتصابات و افزایش ارتباط مستقیم با گروه‌های مختلف، این حساسیت‌ها کاهش یابد. قرآنی یاد آور شد: موضوع مهم دیگر، نگاه‌ها و برخوردهای سلیبی با برخی فعالان سیاسی و نیروهای ستاد انتخاباتی دکتر پزشکیان است. در مواردی هم احکامی صادر شده و حتی خطوط تلفن برخی افراد قطع شده، بدون اینکه علت و مستندات آن برای آنان روشن باشد. انتظار داریم حضرت‌عالی به‌عنوان رئیس شورای تأمین استان، صریح و جدی به این موضوع ورود کنید و چالش و برخورد را به گفت وگو و مفاهمه تبدیل کنید. پیشنهاد ما این است که نمایندگانی از جبهه اصلاحات در تعامل مستمر با استانداری، مسائل این‌چنینی را منعکس و پیگیری کنند. هدف ما تقابل نیست؛ هدف، کمک به دولت، کاهش تنش و تقویت اعتماد و همکاری در استان است.

استاندار از فرصت اصلاح استفاده کند

رئیس جبهه اصلاحات گلستان با تأکید بر ضرورت گفت‌وگو، اصلاح مدیریت استان و مبارزه جدی با فساد، از استاندار گلستان خواست از فرصت محدود پیش‌رو برای ترمیم و تغییر در مجموعه مدیریت استان استفاده کند. محمدمهدی بهزادیان گفت: با توجه به احتمال برگزاری هم‌زمان انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس در اردیبهشت ۱۴۰۷، استانداران عملاً حدود شش ماه برای اصلاح، ترمیم و تغییرات لازم فرصت دارند و باید از این فرصت استفاده کنند. وی با اشاره به ضرورت پرهیز از روزمرگی در مدیریت استان، افزود: شما یازدهمین استاندار گلستان هستید؛ اگر هر استاندار تنها دو پروژه بزرگ را به سرانجام رسانده بود، امروز ۲۲ پروژه بزرگ در استان به یادگار مانده بود؛ انتظار ما این است که به جای درگیر شدن در امور روزمره، یکی دو پروژه بزرگ را

جدی پیگیری و در دوره مسئولیت خود به پایان برسانید.

گفت وگو محوری در مواجهه با فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

رئیس جبهه اصلاحات با تأکید بر نقش استاندار به‌عنوان رئیس شورای تأمین اظهار کرد: در مواجهه با فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید گفت‌وگو محور بود، نه برخورد محور؛ پس از حوادث تلخ دی‌ماه و وقایع بعدی شهادت رهبری و فرماندهان، کودکان میناب بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم فاصله میان مردم و حاکمیت کاهش یابد و هیچ گروهی احساس کنار گذاشته شدن نکند. بهزادیان همچنین خواستار برخورد جدی با فساد شد و گفت: نسبت به اخبار و گزارش‌های فساد حساس باشید، موضوعات را جدی بگیرید و در مبارزه با فساد صریح و قاطع عمل کنید.

«پژواک» سیاست‌های دولت باشید

وی با انتقاد از عملکرد برخی مدیران استانی و شهرستانی گفت: حدود دو ماه و نیم است که رئیس‌جمهور درباره تفاهم، آینده کشور و اهمیت دیپلماسی سخن می‌گوید؛ انتظار داریم استاندار و مدیران استان پژواک این رویکرد باشند.

بهزادیان همچنین درباره برخی برخوردها با چهره‌های سیاسی گفت: اینکه عده‌ای معدود یک روز ماکت دکتر ظریف را آتش بزنند و روز دیگر از پشت تربیون به دکتر روحانی، با سوابق طولانی در شورای عالی امنیت ملی، توهین کنند، شایسته نیست. از استاندار به‌عنوان رئیس شورای تأمین انتظار می‌رود در برابر چنین رفتارهایی فعال باشد.

رسانه را جدی بگیرید

رئیس جبهه اصلاحات با تأکید بر اهمیت نقش رسانه در شرایط امروز گفت: امروز هر فردی با یک تلفن همراه عملاً یک رسانه در اختیار دارد، بنابراین رسانه را باید جدی گرفت و با مردم درباره مسائل مختلف گفت‌وگو کرد. وی افزود: ارائه روایت اول و صحیح از شرایط استان ضروری است و مدیران نیز نباید با زبان تهدید و تندی با رسانه‌ها یا افراد دارای دیدگاه متفاوت سخن بگویند؛ حتی اگر این افراد از حامیان دولت باشند.

گلایه حامیان دولت شنیده شود

بهزادیان خطاب به استاندار گلستان گفت: گلایه‌های حامیان دولت در شهرستان‌ها را جدی بگیرید. این افراد دوستان شما هستند و باید شرایط و فضای مناسبی برای مشارکت و کمک آنان فراهم شود. وی در ادامه گفت: جمع حامیان دولت آماده هر نوع کمک به مدیریت استان است، اما برای این همکاری باید فضای مناسب ایجاد شود.

شاخص‌های اقتصادی، کارنامه ماندگار دولت‌ها

رئیس جبهه اصلاحات در بخش دیگری از سخنان خود، چهار شاخص رشد اقتصادی، تورم، نرخ بیکاری و ضریب جینی را از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی عملکرد دولت‌ها دانست و گفت: در نهایت، این شاخص‌ها سندی از عملکرد دولت‌های ملی و محلی به جا خواهند گذاشت. بهزادیان تأکید کرد: نمی‌توان از اجرای برنامه‌ها سخن گفت، اما در نهایت استان در این شاخص‌ها در رده‌های آخر قرار داشته باشد یا روند نزولی داشته باشد. نتیجه عملکرد باید در شاخص‌های واقعی اقتصادی نیز دیده شود. وی در پایان گفت: شرایط کشور و استان دشوار است و محدودیت منابع را می‌دانیم، اما انتظار زیادی هم نداریم؛ کافی است چند اولویت مهم مشخص شود، با جدیت دنبال شود و نتیجه آن در همین دوره مسئولیت به مردم ارائه شود.

مطالبات جوانان

احمد دلچجه، عضو حقیقی جبهه اصلاحات گلستان نیز در این نشست گفت: اینجانب در این فرصت کوتاه، مهم‌ترین دغدغه‌ها و مطالبات جوانان استان

گلستان را به استحضار جنابعالی می‌رسانم. جوانانی که سرمایه‌های اصلی این استان بوده و آینده گلستان به دستان توانمند ایشان رقم خواهد خورد.

اولین و جدی‌ترین دغدغه، مسئله بیکاری و معیشت جوانان است. استان گلستان با وجود ظرفیت‌های عظیم در حوزه‌های کشاورزی، گردشگری و سواحل دریای خزر، متأسفانه سهم اشتغال جوانان در این بخش‌ها در سطح مطلوبی قرار ندارد. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی استان یا فاقد شغل متناسب با مدرک تحصیلی خود هستند، یا به مشاغل فصلی و کوتاه‌مدت روی می‌آورند. پیشنهاد می‌شود اجرای طرح‌های اقتصاد دریامحور و صنایع تبدیلی کشاورزی با اولویت جذب نیروی بومی تسریع گردد. این دو بخش می‌توانند موتور محرک اشتغال استان باشند. دومین مسئله، فاصله عمیق میان آموزش‌های دانشگاهی و نیازهای واقعی بازار کار است. جوانان استان از مدارک تحصیلی برخوردارند، اما مهارت عملی متناسب با نیاز صنعت و بازار را ندارند. مراکز فنی‌حرفه‌ای استان نیز اغلب از تجهیزات و آموزش‌های به‌روز بی‌بهره‌اند. نتیجه این وضعیت، مهاجرت نخبگان از استان است. جوانان مستعد گلستان به ناچار استان را به مقصد تهران و استان‌های صنعتی ترک می‌کنند و استان سرمایه‌های انسانی ارزشمند خود را از دست می‌دهد. علاوه بر آن، دغدغه معیشت و توزیع نابرابر کار پایدار، موجب شده تا خیل کثیری از جوانان منطقه، مشاغل خدماتی و ناپایدار را در کشورهای همسایه با وجود دوری از خانواده و آسیب‌های فردی و اجتماعی آن ترجیح دهند. پیشنهاد می‌شود مراکز کار آفرینی، نوآوری و شتاب‌دهنده‌های استانی با همکاری دانشگاه‌ها و بخش صنعت ایجاد گردد تا جوانان بتوانند ایده‌های خود را در داخل استان عملیاتی کنند. سومین دغدغه، کمبود فضاهای استاندارد برای تفریح، ورزش و گذراندن اوقات فراغت است. این مشکل به‌ویژه در شهرهای کوچک و مناطق روستایی بیشتر احساس می‌شود. از سوی دیگر، ضعف زیرساخت‌های دیجیتال – اعم از اینترنت پایدار و پرسرعت – موجب شده بسیاری از جوانان نتوانند از فرصت‌های کارآفرینی آنلاین و آموزش مجازی بهره‌مند شوند.

نکته حائز اهمیت آنکه جوانان احساس می‌کنند صدای آنان به جایی نمی‌رسد. تشکلهای مؤثر جوانان در استان کمرنگ بوده و سازوکاری برای انتقال مستقیم دغدغه‌ها به تصمیم‌گیران وجود ندارد. پیشنهاد می‌شود «شورای جوانان استان» با عضویت نمایندگان شهرستان‌ها تشکیل گردد تا به عنوان بازوی مشورتی در کنار جنبه‌عالی ایفای نقش نماید. استان گلستان به حق «ایران کوچک» نام گرفته است؛ ترکمن، فارس، سیستانی، بلوچ، ترک، قزاق، کرد و مازندرانی و ... این تنوع قومی کم‌نظیر، ظرفیتی است که در کمتر استانی از کشور یافت می‌شود. از منظر اقتصادی: هر قوم، شبکه و ظرفیت اقتصادی خاص خود را دارد. ترکمن‌ها در دامداری و تجارت مرزی، سیستانی‌ها در کشاورزی، ترک‌ها و مازندرانی‌ها در باغداری و گردشگری توانمند هستند. چنانچه این ظرفیت‌ها در قالب تعاونی‌های قومی ساماندهی شود، هم اشتغال جوانان رونق می‌گیرد و هم تولید استان جهش خواهد داشت.

از منظر فرهنگی و گردشگری: صنایع‌دستی، موسیقی، پوشاک محلی و آداب و رسوم هر قوم می‌تواند به برندی جذاب برای گردشگری استان تبدیل شود. ایجاد نمایشگاه‌های دائمی و تورهای گردشگری قومی می‌تواند گردشگران بسیاری را به استان جذب نماید. اما نکته شایان توجه آنکه گاهی این تنوع به جای فرصت، به چالش تبدیل می‌شود. ریشه این مسئله در نبود گفت‌وگوی سازمان‌یافته میان اقوام و عدم حضور متناسب همه قومیت‌ها در سطوح مدیریتی استان نهفته است. تنوع قومی به جای آنکه به عنوان یک چالش تلقی گردد، می‌تواند به قوی‌ترین نقطه قوت استان تبدیل شود، مشروط به آنکه مدیریتی هوشمندانه و مشارکت‌محور بر آن حاکم گردد.

ساخت‌وساز گلستان در مسیر فناوری؛

از ساختمان هوشمند تا مدیریت انرژی



در استان فعالیت می‌کنند که بخشی از آنها در حوزه هوشمندسازی ساختمان، تصفیه‌های ساختمانی، تولید چسب‌های کاشی و سرامیک، عایق‌های نوین کاشی و سرامیک و مدیریت مصرف انرژی فعال هستند. محمد جوادی اظهار کرد: در انجمن دانش‌بنیان و فناوری استان گلستان، گروه‌بندی‌های مختلف انجام شده و شاخه صنعت ساختمان نیز شکل گرفته و در این چارچوب مقرر شده است محصولات فناورانه و نوآورانه‌ای که در عرصه صنعتی فعالیت می‌کنند و استانداردهای لازم را نیز به دست آورند، شناسایی و در این حوزه مورد توجه قرار گیرند. جوادی با اشاره به ضرورت توجه به مدیریت مصرف انرژی در ساختمان‌ها گفت: قانونگذار در ماده ۵۵ بندهای «الف» و «ب» قانون برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه، رعایت الزامات مربوط به مدیریت مصرف انرژی را ضروری دانسته است. نایب‌رییس انجمن دانش‌محور و فناوری‌های پیشرفته استان گلستان افزود: ارتقای فناوری‌های نوین و افزایش بهره‌وری انرژی و کمک به رفع ناترازی، وظیفه‌ای ملی و میهنی است و در عین حال می‌تواند به کاهش هزینه‌ها نیز کمک کند. وی با بیان اینکه کشور در حوزه گاز و برق با مشکلاتی مواجه است و این مساله ضرورت توجه به مدیریت مصرف انرژی و استفاده از فناوری‌های نوین در ساختمان‌ها را بیشتر می‌کند، با اشاره به ضرورت درجه‌بندی ساختمان‌ها از نظر کیفیت اظهار کرد: یکی از گرایش‌های ساختمان‌سازان این است که مردم در بسیاری از موارد بین ساختمان خوب و بد تفاوت قائل نمی‌شوند و این موضوع ضرورت اجرای طرح درجه‌بندی ساختمان‌ها را بیش از پیش آشکار می‌کند. وی با اشاره به اینکه درجه‌بندی ساختمان از نظر کیفیت می‌تواند به ایجاد تفاوت میان ساختمان‌های باکیفیت و کم‌کیفیت کمک کند و این موضوع از جمله وظایفی است که سازمان نظام مهندسی ساختمان باید در آن نقش داشته باشد، خاطر نشان کرد: کمیته شکل گرفته در حوزه محصولات و خدمات فناورانه صنعت ساختمان نیز با همین رویکرد و با هدف توجه بیشتر به فناوری‌های نوین، ارتقای کیفیت ساختمان‌ها و کمک به اجرای الزامات مرتبط با مدیریت مصرف انرژی شکل گرفته است.

با بیان اینکه حتی بانک مسکن را نیز به عنوان بانک عامل سال‌هاست از دست دادیم و یک تولیدکننده ساختمان برای دریافت وام باید تسهیلات گران‌قیمت دریافت کند، تأکید کرد: تسهیلات تکلیفی مشخصی برای صنعت ساختمان وجود ندارد و فعالان این حوزه به عنوان گروه‌هایی که باید تسهیلات صنعتی دریافت کنند، شناخته نشدند. وی با اشاره به سهم صنعت ساختمان در تولید ناخالص داخلی توضیح داد: سهم صنعت ساختمان در سال‌های رونق خود در اوایل دهه ۸۰ از هشت درصد تقریباً به چهار درصد کاهش پیدا کرد که این میزان کاهش، عدد قابل ملاحظه‌ای است و می‌تواند تأثیر بسزایی بر اقتصاد کشور و اقتصاد محلی داشته باشد و در ساخت مسکن نیز اختلال ایجاد کند. این اتفاق در عمل نیز رخ داده و سطح صدور پروانه‌های ساختمانی کاهش پیدا کرده است.

۵۵ شرکت فناوری و نوآور در صنعت ساختمان گلستان فعالیت می‌کنند

نایب‌رییس انجمن دانش‌محور و فناوری‌های پیشرفته استان گلستان نیز در این جلسه اظهار کرد: ۵۵ شرکت فناوری و نوآور در زمینه صنعت ساختمان

دانش‌بنیان و فناوری‌های نوین است. مرتضوی با تأکید بر ضرورت به رسمیت شناختن ساختمان به عنوان یک محصول صنعتی گفت: هر زمان ساختمان به عنوان یک محصول صنعتی شناخته شد و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز این موضوع را پذیرفت و سازنده ساختمان را به عنوان یک تولیدکننده به رسمیت شناخت، می‌توان در تمامی مراحل ساخت نظارت داشت و همه مراحل را با استانداردهای لازم هماهنگ کرد در چنین شرایطی می‌توان برای ساختمان‌ها گریدهای مختلف تعریف کرد اما در شرایط فعلی که تولیدکننده ساختمان به عنوان یک صنعتگر شناخته نمی‌شود، نمی‌توان در این زمینه راه به جایی بُرد. مرتضوی ادامه داد: یکی از گرایش‌های من به عنوان یکی از اهالی این صنعت این است که وزارت صنعت، معدن و تجارت سازندگان حوزه ساختمان را به عنوان صنعتگر به رسمیت نمی‌شناسند در حالی که برای رساندن صنعت ساختمان به تعالی، همه ابزارهای لازم باید وجود داشته باشد. در حالی که هر ساله تسهیلات تکلیفی قابل توجهی به صنعتگران اختصاص می‌یابد اما چنین چیزی برای صنعت ساختمان وجود ندارد. رییس کمیسیون احداث اتاق بازرگانی گرگان

رییس کمیسیون احداث اتاق بازرگانی گرگان از شکل‌گیری کمیته پایش محصولات و خدمات فناورانه در صنعت نوین ساختمان خبر داد و گفت: استفاده از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری‌های نوین، یکی از مسیرهای ارتقای کمی و کیفی صنعت ساختمان و حرکت این بخش به سمت ساخت‌وساز هوشمند و استاندارد است. به گزارش ایرنا، صنعت ساختمان در حال عبور از الگوی سنتی ساخت‌وساز و حرکت به سمت محصولات دانش‌بنیان، فناورانه و هوشمند است تا علاوه بر ارتقای کیفیت و ایمنی، مصرف انرژی و هزینه‌های بهره‌برداری را نیز مدیریت کند. در همین راستا جلسه کمیسیون احداث اتاق بازرگانی گرگان با موضوع شکل‌گیری کمیته پایش محصولات و خدمات فناورانه در صنعت نوین ساختمانی در اتاق بازرگانی گرگان برگزار شد تا این کمیته با شناسایی و معرفی محصولات فناورانه و نوآورانه دارای استانداردهای لازم، زمینه آشنایی و استفاده بیشتر فعالان صنعت ساختمان از این ظرفیت‌ها را فراهم کند. رییس کمیسیون احداث اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان در این جلسه از تشکیل کمیته پایش محصولات و خدمات فناورانه در صنعت نوین ساختمان استان خبر داد و گفت: این کمیته با هدف معرفی محصولات و خدمات فناورانه به فعالان صنعت ساختمان شکل گرفته است. در همین راستا، انجمن دانش‌بنیان در این حوزه گردهم آمدند تا همکاری مشترکی در حوزه دانش‌بنیان و استفاده از تفکرات، اندیشه‌ها و خلاقیت‌های این حوزه شکل بگیرد. وی با اشاره به استفاده از محصولات هوشمندسازی در ساختمان افزود: محصولات هوشمندسازی در سال‌های اخیر صنعت ساختمان را متحول کرده و استفاده از این محصولات در پروژه‌های ساختمانی گسترش یافته است. در عرصه تولید چسب‌های جایگزین ملات ماسه و سیمان و همچنین پوشش‌های ضدحریق نیز اتفاقات خوبی رخ داده است. مرتضوی با بیان اینکه این عرصه هنوز جدید است، تصریح کرد: رشد کمی و کیفی صنعت ساختمان نیازمند توجه جدی فعالان این حوزه است و یکی از موضوعاتی که طی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته استفاده از ظرفیت شرکت‌های

«آگهی‌شبهی

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۸۰۰۹۸۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۰۰۶ تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضی خانم خدیجه کسلخه فرزند عبدالعزیز شماره شناسنامه ۱۷۱ و کدملی ۹۹۷۹۷۲۵۲۱۱ صادره آق قلا در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۸۶۸۹ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاکهای ثبتی شماره (۱۴۸۴) اصلی بمساحت ۱۱۰۵۹ مترمربع و (۱۸۲۳) اصلی بمساحت ۱۷۵۳۰ مترمربع واقع در بخش ۷ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی سوچی طعنه و عاشور سوچی تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ تاریخ انتشارنوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۶ احمد نویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف: ۷۱۴

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۵۷۷۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای عباسعلی طاری فرزند اسداله شماره شناسنامه ۲۶۱۷ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۸۶۳۶۰۲۴ در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۴۷۶،۴۲ مترمربع که مقدار ۱۳،۳۴ سهم مشاع از ۹۸ سهم شش‌دانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از پلاک ۱۵- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری از مالک رسمی آقای اسداله طاری کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۵۷۶۵ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض

خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۲ محمود خاندوزی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی- م الف: ۶۴۱

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۵۱۱۹ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای یداله سپهری فرزند وحید اله شماره شناسنامه یک صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۹۳۴۴۵۵۸ در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۰،۲۹ مترمربع که مقدار ۱۳،۳۴ سهم مشاع از ۹۸ سهم شش‌دانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از پلاک ۱۵- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری از مالک رسمی وراث مرحوم حاج وحید اله سپهری کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۲۴۲ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۲ محمود خاندوزی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی- م الف: ۶۴۵

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۵۱۲۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا سپهری فرزند

وحید اله شماره شناسنامه ۲۷۶۵ صادره از کردکوی و شماره ملی ۲۲۴۸۶۳۷۰۰۰ در سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۰،۲۹ مترمربع که مقدار ۱۳،۳۴ سهم مشاع از ۹۸ سهم شش‌دانگ عرصه وقف عام است قسمتی از پلاک ۰ فرعی از پلاک ۱۵- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری از مالک رسمی وراث مرحوم حاج وحید اله سپهری کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۲۴۱ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۲ محمود خاندوزی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی- م الف: ۶۴۶

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۲۰۰۵۲۸۳ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کردکوی تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای موسی یوسفی فرزند غفار شماره شناسنامه ۶ صادره از بهشهر و شماره ملی ۲۱۸۱۵۹۷۱۱ در شش‌دانگ اعیان یک باب ساختمان به انضمام ۶۴۴ سهم مشاع از ۸۶۴ سهم شش‌دانگ عرصه که ۱۰۰ سهم مشاع بامقیه آن وقف عام است به مساحت ۱۱۷،۰۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۰ فرعی از ۲- اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک کردکوی خریداری از مالک رسمی آقایان محمدعلی و حسینی شهرت کبآه کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۲۰۰۱۵۳۹ محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرا به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: یکشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: سه شنبه ۱۴۰۵/۰۷/۰۲ محمود خاندوزی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کردکوی- م الف: ۶۵۰

موفقیت اتفاقی نیست

در شخصیت‌های متفاوت بروز می‌کند:

کمال‌گرا: برای این فرد، همه چیز باید بی‌نقص باشد. کوچک‌ترین خطایی، او را به این نتیجه می‌رساند که یک فریبکار است.

متخصص: او فکر می‌کند باید همه‌چیز را بداند. اگر در

از درخواست ترفیع یا بیان ایده‌های خلاقانه خودداری کند. در روابط عاطفی، این احساس می‌تواند به شکل ترس دائمی از ترک‌شدن بروز کند. فرد فکر می‌کند اگر شریک زندگی‌ام بفهمد من آن‌قدرها هم عالی نیستم، دوستم نخواهد داشت»، حتی در خانه و میان والدین



موضوعی تسلط صددرصدی نداشته باشد، احساس شرم و ناکافی بودن می‌کند.

نبوغ طبیعی: اگر کاری برایش سخت پیش برود، فکر می‌کند پس استعداد لازم را ندارد و توانایی خود را زیر سؤال می‌برد.

تک‌نواز: کمک گرفتن را نشانه ضعف می‌داند. او می‌خواهد همه‌چیز را تنهایی انجام دهد تا کسی متوجه نقص او نشود.

بسیاری از ما در مقطعی از زندگی، هنگامی که با وجود تلاش بسیار توانسته‌ایم به موفقیتی دست یابیم، این فکر در ذهنمان عبور می‌کند که من لایق رسیدن به این موفقیت نبوده‌ام و به زودی دستم برای دیگران رو می‌شود. این احساس که روان‌شناسان آن را سندرم ایمپاستر یا پدیده فریبکار می‌نامند، موفقیت‌های واقعی فرد را در ذهن او به شانس و اتفاق تقلیل می‌دهد، پدیده‌ای که اگر مدیریت نشود، می‌تواند سدی بزرگ در مسیر رشد و سلامت روان باشد. به گزارش ایرنا زندگی، تصور کنید در محل کار به موفقیتی چشمگیر رسیده‌اید، در دانشگاه نمره بالایی گرفته‌اید یا مسئولیتی مهم را به بهترین شکل به سرانجام رسانده‌اید. اطرافیان شما را تحسین می‌کنند و به هوش و درایت شما غبطه می‌خورند. اما در همان لحظه، در لایه‌های پنهان ذهن شما، صدایی زمزمه می‌کند که این فقط شانس بود، هر کس دیگری هم بود همین کار را می‌کرد یا اگر کمی بیشتر دقت کنند، می‌فهمند که تو واقعا چیزی بلد نیستی. این تصویر کسی است که با سندرم ایمپاستر دست‌وپنج نرم می‌کند، فردی که در آینه موفقیت‌هایش، خودش را نمی‌بیند، بلکه مدام نگران است که نقابش برداشته شود و دیگران متوجه بی‌کفایتی او شوند. مطلب منتشره در سایت health.clevelandclinic.org به تحلیل این سندرم پرداخته و راههای مقابله با آن را توضیح داده است.

چرا موفقیت بر ایمان واقعی نیست؟

سندرم ایمپاستر، که البته یک تشخیص پزشکی رسمی نیست، مجموعه‌ای از افکار و احساساتی است که باعث می‌شود فرد نتواند ارزش واقعی دستاوردهایش را بپذیرد. نکته قابل تأمل این است که این سندرم معمولا در افراد موفق بیشتر دیده می‌شود. این افراد به‌جای اینکه موفقیت خود را حاصل مهارت، دانش و پشتکار بدانند، آن را به عوامل بیرونی مثل تصادف یا خوش‌شانسی نسبت می‌دهند. همین ناتوانی در مالکیت موفقیت، باعث می‌شود لذت به‌دست‌آوردن هر دستاوردی بلافاصله جای خود را به اضطراب حفظ این جایگاه بدهد.

اثرات منفی سندرم پدیده فریبکار

ردپای سندرم ایمپاستر را می‌توان در همه جای زندگی دید. در محیط کار، ممکن است فرد با وجود شایستگی،

اقامت مسافران ۶۰ درصد کاهش یافت



دارند، اما مناطق شمالی و مرکزی استان نیز دارای ظرفیت‌های بالقوه و بی‌ظنیری برای توسعه این نوع گردشگری هستند. بر اساس آمارهای رسمی، حدود چهار هزار نفر به طور مستقیم در تاسیسات گردشگری استان گلستان مشغول به کار هستند که

یافت نمی‌شود و در این بین، طبیعت جنگلی، چشم‌اندازهای زیبا و معماری سنتی، علاقه‌مندی به اسکان در بوم‌گردی‌ها را افزایش داده‌اند. وی افزود: اگرچه مناطق جنوبی گلستان به دلیل نزدیکی به جنگل‌های هیرکانی بیشترین جذب را

معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گلستان با اشاره به کاهش ۶۰ درصدی اسکان در مراکز اقامتی رسمی گلستان به دلیل شرایط جنگی در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته، گفت: این استان بیش از ۶۶۰ واحد اقامتی شامل هتل، هتل آپارتمان، بومگردی و خانه مسافر دارد که از این تعداد، ۳۳۰ واحد خانه مسافر و ۲۱۹ واحد بومگردی است. به گزارش روابط عمومی، یاسر قندهاری اظهار کرد: ۶۵۰ هزار و ۹۷۱ مسافر و گردشگر امسال در واحدهای اقامتی رسمی دارای مجوز استان اسکان یافتند که ۴۰ درصد این اقامت‌ها در بوم‌گردی‌ها ثبت شده است. معاون گردشگری اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان ادامه داد: بوم‌گردی یا گردشگری روستایی، پاسخی به نیاز روزافزون انسان مدرن برای بازگشت به ریشه‌ها و ارتباط با طبیعت است که در این فضا، گردشگران به جای اقامت در هتل‌های شلوغ و پر ازدحام، در خانه‌های روستایی اصیل و در کنار مردمی مهمان‌نواز زندگی می‌کنند. قندهاری با اشاره به جذابیت‌های بوم‌گردی در این استان گفت: مردم به دنبال آرامشی هستند که در محیط‌های شهری

فرانسان: این فرد ارزش خود را فقط با کار کردن و دستاوردهای بی‌پایان می‌سنجد. او هیچ‌وقت از تلاشش راضی نیست.

بین نظر دیگران و صدای درون خویش تفاوت قائل شویم

بسیار مهم است که بین صدای درونی من خوب نیستم و پیام‌های بیرونی که به شما می‌گویند تو به اینجا تعلق نداری تفاوت قائل شویم. سندرم ایمپاستر یک مبارزه شخصی و درونی است که با اصلاح افکار و خودآگاهی بهبود می‌یابد. اما صدای بیرونی و نظر دیگران، یک مشکل ساختاری و اجتماعی است که نیاز به حمایت بیرونی و تغییرات محیطی دارد. گاهی این دو با هم ترکیب می‌شوند و تشخیص را دشوار می‌کنند، اما شناخت این مرز، کلید اصلی است.

به خود شک نداشته باشیم

غلبه بر این احساس، یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد، اما شدنی است. اولین قدم جدا کردن احساس از واقعیت است. فقط چون ذهن شما می‌گوید تو کلاهبرداری به این معنی نیست که حقیقت دارد. برای این کار، ثبت ملموس دستاوردها بسیار کمک‌کننده است، یعنی لیستی از موفقیت‌ها، تشویق‌ها و پروژه‌هایی که به نتیجه رسانده‌اید تهیه کنید. وقتی این شواهد را سیاه و سفید روی کاغذ ببینید، انکار کردن تلاش‌تان دشوارتر می‌شود. علاوه بر این، دست کشیدن از مقایسه حیاتی است. در فضای مجازی ما معمولا پشت‌صحنه زندگی خود را با ویتری زندگی دیگران مقایسه می‌کنیم، مقایسه‌ای که از همان ابتدا ناعادلانه است و در نهایت، حرف بزنید. صحبت کردن با یک دوست معتمد یا درمانگر می‌تواند به شما نشان دهد که این ترس‌ها چقدر بین افراد موفق شایع هستند. یادتان باشد، شکست‌دادن سندرم ایمپاستر به معنای حذف کامل شک و ترس نیست، این به معنای عمل کردن با وجود شک است. زمانی که یاد بگیرید به صدای متفقد درونی‌تان به چشم یک واقعیت نگاه نکنید، فضا برای اعتماد به نفس واقعی باز می‌شود. موفقیت‌های شما اتفاقی نیستند، آن‌ها محصول تلاش، مهارت و مسیری هستند که خودتان برای خودتان ساخته‌اید. حالا وقت آن است که آن‌ها را بپذیرید و با آرامش بیشتری به مسیرتان ادامه دهید.

مراقبت یا کنترل؟ مرز باریکی که گم می شود



*این شفافیت، حس کنترل را کاهش می دهد.
*کاهش تدریجی نظارت
*با افزایش سن و بلوغ فرزند، میزان نظارت باید کاهش یابد. هدف نهایی، استقلال است نه وابستگی دائمی.
*آموزش خودمدیریتی
به جای تکیه صرف بر ابزارها، مهارت هایی مانند تصمیم گیری، مدیریت زمان و تشخیص خطر را به فرزند خود آموزش دهید. این مهارت ها، امنیت واقعی و پایدار را ایجاد می کنند.

نقش اعتماد در تربیت دیجیتال
اعتماد، یکی از مهم ترین ارکان رابطه والد-فرزند است. بدون اعتماد، حتی پیشرفته ترین ابزارهای نظارتی نیز نمی توانند امنیت واقعی ایجاد کنند. وقتی نوجوان احساس کند که مورد اعتماد است، مسئولیت پذیری بیشتری نشان می دهد، کمتر به پنهان کاری روی می آورد و ارتباط صمیمی تری با والدین برقرار می کند. در مقابل، بی اعتمادی مداوم می تواند به شکاف عاطفی عمیق منجر شود.

فناوری، ابزار یا جایگزین تربیت؟
یکی از خطاهای رایج در دنیای امروز، جایگزین کردن فناوری به جای ارتباط انسانی است. ابزارهای ردیابی نمی توانند جای گفت و گو، آموزش و حضور عاطفی والدین را بگیرند. اگر رابطه ای مبتنی بر اعتماد، احترام و گفت و گوی باز وجود داشته باشد، نیاز به نظارت شدید به طور طبیعی کاهش می یابد.

امنیت واقعی از کجایم؟
ردیابی فرزندان، نه کاملاً خوب است و نه کاملاً بد. آنچه اهمیت دارد، نحوه استفاده، سن فرزند و کیفیت رابطه خانوادگی است. امنیت واقعی، ترکیبی از اعتماد متقابل، آموزش مهارت های زندگی، گفت و گوی مستمر و نظارت محدود و هدفمند است. در نهایت، هدف تربیت این نیست که فرزند همیشه تحت کنترل باشد، بلکه این است که بتواند روزی بدون کنترل، درست تصمیم بگیرد. لبه تیز فناوری، اگر با آگاهی و تعادل همراه نباشد، می تواند به جای محافظت، به رابطه ای آسیبزا تبدیل شود. انتخاب با والدین است، ساختن پلی از اعتماد یا دیواری از کنترل.

تحقیقات منتشر شده در منابعی مانند «انجمن روانشناسی آمریکا» و «یونیسف» نشان می دهد که نظارت بیش از حد می تواند اثرات بلندمدتی مانند اختلال در شکل گیری هویت مستقل، کاهش مهارت تصمیم گیری، افزایش رفتارهای پرخطر پنهانی و ضعف در مهارت های اجتماعی داشته باشد. نوجوانی که فرصت تجربه، اشتباه و یادگیری را نداشته باشد، در بزرگسالی نیز در مواجهه با چالش ها دچار سردرگمی خواهد شد.

چگونه تعادل برقرار کنیم؟
برای استفاده سالم و مؤثر از ابزارهای ردیابی، رعایت چند اصل کلیدی ضروری است:

گفت و گوی مؤثر پیش از هر اقدامی:
پیش از نصب هر برنامه ای، با فرزند خود صحبت کنید. نگرانی هایتان را توضیح دهید و به دیدگاه او گوش دهید. این گفت و گو، پایه ای برای اعتماد متقابل ایجاد می کند.

قرارداد شفاف و دوطرفه:
با نوجوان خود یک «توافق نامه خانوادگی» تنظیم کنید. در این قرارداد مشخص شود که:

- *چه اطلاعاتی بررسی می شود
- *در چه شرایطی استفاده می شود
- *چه زمانی متوقف خواهد شد

ردیابی می شود، کمتر دچار احساس بی اعتمادی یا نقض حریم خصوصی خواهد شد. استفاده در موقعیت های خاص: مثلاً هنگام سفر، مسیرهای ناشناخته یا شرایط اضطراری. استفاده دائمی و بی وقفه، معمولاً توصیه نمی شود.

چه زمانی ردیابی به نقض اعتماد تبدیل می شود؟
در مقابل، برخی رفتارها به وضوح در دسته «نقض اعتماد» قرار می گیرند:

برای نوجوانان بالای ۱۲ سال: در این سن، نیاز به استقلال و حریم خصوصی افزایش می یابد. نظارت شدید می تواند روند طبیعی رشد روانی را مختل کند.

نصب پنهانی برنامه ها: جاسوسی دیجیتال، حتی اگر با نیت خیر انجام شود، پایه های اعتماد را تخریب می کند. اگر نوجوان متوجه این موضوع شود، بازسازی اعتماد بسیار دشوار خواهد بود.

بررسی جزئیات زندگی روزمره: چک کردن مداوم مکان، ارتباطات و فعالیت ها، پیام «بی اعتمادی» را منتقل می کند و رابطه را به سمت تنش سوق می دهد.

پیامدهای بلندمدت کنترل گری دیجیتال

افزایش وابستگی: به جای رشد استقلال، وابستگی عاطفی و تصمیم گیری به والدین تقویت می شود. پنهان کاری: نوجوان برای فرار از نظارت، به رفتارهای مخفیانه روی می آورد. اضطراب دائمی: احساس «همیشه دیده شدن» می تواند سطح استرس را افزایش دهد.

در چنین شرایطی، خانه که باید محل آرامش و امنیت باشد، به فضایی شبیه «بازجویی» یا «نظارت پلیسی» تبدیل می شود. این تغییر فضا، رابطه عاطفی میان والد و فرزند را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد.

امنیت واقعی در چه شرایطی معنا دارد؟

با وجود تمام این نگرانی ها، نمی توان نقش مثبت فناوری در افزایش امنیت کودکان را نادیده گرفت. مسئله اصلی، نحوه و زمان استفاده از این ابزارهاست. کارشناسان حوزه تربیت کودک معتقدند که ردیابی می تواند در شرایط خاص، مفید و حتی ضروری باشد:

برای کودکان زیر ۱۰ سال: در این سن، کودکان هنوز توانایی کامل برای مدیریت خطرات محیطی را ندارند. استفاده محدود و آگاهانه از ابزارهای ردیابی می تواند به افزایش امنیت آن ها کمک کند.

با اطلاع و رضایت فرزند: شفافیت، کلید اصلی اعتماد است. اگر کودک یا نوجوان بداند که چرا و چگونه

وقتی پای امنیت فرزندان به میان می آید، بسیاری از والدین به ابزارهای ردیابی دیجیتال پناه می برند، ابزارهایی که قرار است آرامش خاطر بیاورند اما گاهی بی آنکه متوجه باشیم، مرز مراقبت را پشت سر گذاشته و به کنترل گری پنهان تبدیل می شوند. به گزارش ایرنا زندگی، نگرانی برای امنیت فرزندان، یکی از طبیعی ترین و عمیق ترین دغدغه های والدین است. در دنیای امروز که فناوری با سرعتی سرسام آور در حال پیشرفت است، ابزارهای دیجیتال متعددی برای نظارت بر موقعیت مکانی و فعالیت های فرزندان در دسترس قرار گرفته اند. این ابزارها، از اپلیکیشن های ردیابی گرفته تا سیستم های کنترل والدین، وعده آرامش خاطر را به خانواده ها می دهند. اما پرسش اساسی اینجاست: آیا این آرامش، واقعی و پایدار است یا بهایی پنهان در قالب آسیب های روانی و عاطفی برای فرزند به همراه دارد؟

مراقبت یا کنترل؟

در نگاه اول، استفاده از ابزارهای ردیابی به عنوان نوعی مراقبت مسئولانه به نظر می رسد. والدین می خواهند بدانند فرزندشان کجاست، با چه کسانی در ارتباط است و آیا در امنیت قرار دارد یا نه. اما همین ابزارها، اگر بدون چارچوب و آگاهی استفاده شوند، می توانند به نوعی «کنترل گری پنهان» تبدیل شوند. مطالعات روانشناسی کودک نشان می دهد که نظارت بیش از حد، به ویژه زمانی که بدون اطلاع کودک یا نوجوان انجام شود، احساس «زیر نظر بودن دائمی» را در ذهن او ایجاد می کند. این احساس می تواند به مرور زمان به اضطراب، کاهش اعتماد به نفس و حتی اختلال در شکل گیری هویت مستقل منجر شود.

وقتی نگرانی به آسیب تبدیل می شود

کنترل مداوم و وسواس گونه یکی از نشانه های مراقبت سمی است. والدینی که به طور مکرر موقعیت فرزند خود را چک می کنند، ناخواسته این پیام را منتقل می کنند که «دنیا جای خطرناکی است و تو به تنهایی قادر به مدیریت آن نیستی». این پیام های ناخودآگاه، اثرات عمیقی بر روان کودک یا نوجوان می گذارند: کاهش حس خودکارآمدی: کودک باور می کند که بدون نظارت والدین نمی تواند از پس موقعیت های روزمره برآید.